
رابطه سبک‌های هویت، تعهد هویت و جنسیت با سازگاری دانشجویان با دانشگاه

دکتر فرزانه میکائیلی منیع*

چکیده:

هدف این پژوهش مطالعه رابطه سبک‌های هویت و سازگاری با دانشگاه و تعیین نقش تعهد به عنوان متغیر میانجی بین آن‌ها بود. برای رسیدن به این مهم ۳۳۲ نفر دانشجو (۱۸۲ دختر و ۱۵۰ پسر) از رشته‌های تحصیلی مختلف دانشگاه ارومیه انتخاب و با استفاده از آزمون سبک‌های هویت (ISL_G6) و پرسشنامه سازگاری دانشجویان با دانشگاه (SACQ) مطالعه شدند. به منظور تحلیل نتایج از آزمون T گروه‌های مستقل و رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج نشان داد سبک‌های هویت به شکل معناداری قادر است تمام مؤلفه‌های سازگاری با دانشگاه را پیش‌بینی و تبیین کند. متغیر جنسیت با ورود به تحلیل توانست ضریب تعیین را در پیش‌بینی مؤلفه‌های سازگاری تحصیلی، اجتماعی، شخصی-هیجانی و سازگاری کلی به شکل معناداری افزایش دهد و فقط در مؤلفه دلبستگی به دانشگاه جنسیت نقش میانجی گرانه معناداری نداشت. تعهد هویتی برای همه مؤلفه‌ها و نمره کلی سازگاری نقش میانجی معناداری داشت.

کلیدواژه‌ها:

سبک‌های هویت، سازگاری با دانشگاه، دانشجویان سال اول، تعهد هویت، جنسیت.

* استادیار گروه علوم تربیتی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه.

انتقال از آموزش متوسطه به دانشگاه مرحله‌ای انتقالی در رشد جوانانی است که در آغاز ورود به دنیای بزرگسالی هستند. دوره جدید با آزادی‌های بیشتر، چالش‌های تحصیلی، مسئولیت‌ها و انتظارات متفاوت از دوره‌های پیشین متمایز می‌شود. سال اول دانشگاه تنش زاترین زمان در طی تحصیل دانشگاهی به حساب می‌آید. طی این دوره دانشجویان چالش‌های اجتماعی (مانند جدا شدن از خانواده) و هوشی (مانند ضرورت انجام موفقیت آمیز تکالیف تحصیلی) متعددی را تجربه می‌کنند که ممکن است با آشفتگی‌های هیجانی، مانند احساس تنهایی، غم غربت، حالت سوگ و افزایش احتمال مصرف مواد همراه باشد (لوبکر و اتزل^۱، ۲۰۰۷). ضمن این که نتایج مطالعات نشان داده است بیشترین میزان مشروطی و ترک تحصیل به دانشجویان سال اول مربوط است (بولتر^۲، ۲۰۰۲).

در این دوره جوانان تلاش می‌کنند تا به خودمختاری و استقلال بیشتر دست یابند تا بتوانند نقش‌های بزرگسالی را بپذیرند، روابط دوستانه و صمیمانه جدیدی شکل داده و حس هویت خود را تحکیم بخشیده یا بازسازماندهی کنند، (بروکس و دوبویس^۳، ۱۹۹۵). بر این اساس، تکالیف تحصیلی، شخصی و اجتماعی متفاوت موجب می‌شود سازگاری با دانشگاه و الزامات آن از مسائل اصلی دانشجویان به شمار آید، (لانثیر و ویندهام^۴، ۲۰۰۴). بی تردید عوامل متعددی بر سازگاری با دانشگاه مؤثر است. مارتین^۵ و همکاران (۱۹۹۹) سه متغیر اجتماعی (مانند اثرات والدین)، شخصی - هیجانی (مانند سبک‌های مقابله) و دلبستگی به دانشگاه/ مؤسسه را بر احساس تنش یا سازگاری دانشجویان سال اول مؤثر می‌دانند. در این میان تفاوت‌ها در ابعاد فردی و شخصیتی در سازگاری موفقیت آمیز فرد و عملکرد بهینه او نقشی مهم ایفا می‌کنند.

یکی از این ابعاد فرایندهای هویتی است (پرت^۶، ۲۰۰۰). دستیابی به هویت، به عنوان توانایی تجربه خود به صورت چیزی پیوسته و یکپارچه در طی زمان و عمل بر اساس آن و رسیدن به تعریفی خاص و منحصر به فرد از خود، از تکالیف اصلی دوران نوجوانی به شمار می‌رود (مارسیا^۷، ۱۹۹۳؛ آرچر و واترمن^۸، ۱۹۹۰)؛ اما در جوامع امروزی به دلیل پیچیدگی زندگی، الزامات ناشی از دوره‌های تحصیل طولانی‌تر و مشکلات استقلال اقتصادی در آغاز زندگی شغلی دوره نوجوانی طولانی‌تر شده است. به این دلیل دستیابی به استقلال اقتصادی دیرتر حاصل شده و جدایی از والدین و تشکیل زندگی مستقل با تأخیر زیادی همراه است. رسیدن به استقلال در ۱۸ الی ۲۰ سالگی و در موارد نسبتاً زیادی در ۲۰ الی ۲۵ سالگی امکان پذیر می‌شود (لطف آبادی، ۱۳۸۴). به همین دلیل پایان دوره نوجوانی معمولاً مصادف با زمان ورود فرد به دانشگاه است. بنابراین، دانشجویان نه تنها باید با چالش‌ها و مشکلات مربوط به جدا شدن از خانواده، تطابق با محیط اجتماعی و انتظارات تحصیلی جدید مواجه شوند، بلکه تکلیف تکمیل هویت را نیز به اتمام رسانند (برزونسکی^۹ و همکاران، ۲۰۰۳). پژوهش‌ها نشان داده است در پایان دوره متوسطه و سال‌های آغازین آغازین دانشگاه هنوز تکلیف تکمیل هویت به سرانجام نرسیده است (مانند واترمن، ۱۹۹۹؛ کالسنر و پیستولی^{۱۰}، ۲۰۰۳). اریکسون

1. Lubker & Etzel
2. Boulter
3. Brooks & DuBois
4. Lanthier & Windham
5. Martin
6. Pratt
7. Marcia
8. Archer & Waterman
9. Berzonsky
10. Kalsner & Pistole

از این دوره به عنوان دوره‌ای یاد می‌کند که فرصتی برای کشف فعالانه انتخاب‌های زندگی و تلاش برای شکل دهی حس هویت پایدار و یکپارچه است. آرنِت^۱ (۲۰۰۰) در راستای گسترش دیدگاه روانی-اجتماعی رشد هویت مرحله رشدی جدیدی تحت عنوان «بزرگسالی در حال ظهور»^۲ را پیشنهاد می‌کند که دربرگیرنده سنین دوره کارشناسی است. طی این دوره فرد تصمیمات جدیدی برای آینده اتخاذ می‌کند، اطلاعات مربوط به خود را بازنگری کرده و در صورت لزوم هویت خود را بازسازماندهی می‌کند.

برزونسکی بر اساس دیدگاه روانی - اجتماعی هویت اریکسون، وضعیت‌های هویت^۳ نظریه مارسیا، فرایند اکتشاف (رفتار حل حل مسأله معطوف به گردآوری اطلاعات درباره خود و محیط با هدف تصمیم‌گیری برای انتخاب‌های مختلف زندگی) و تعهد (پیوستن به و پذیرفتن مجموعه خاصی از اهداف، ارزش‌ها و باورها) (شوارتز^۴، ۲۰۰۱) مدلی فرایند محور از هویت ارائه داده است. الگوی مورد نظر برزونسکی بر تفاوت در فرایندهای شناختی - اجتماعی جوانان در ساخت، نگهداری و انطباق هویت خود آنها متمرکز است. به عبارتی این الگو به تفاوت با اهمیت در درگیری یا اجتناب از تکالیف مختلف چون تصمیم‌گیری، حل مسائل شخصی و موضوعات اشاره می‌کند. از نظر او نحوه جستجو، پردازش، ارزشیابی و استفاده از اطلاعات مرتبط به خود سازنده سبک هویت فرد است. در حقیقت این ساختارها سبک‌های شناختی - اجتماعی است که افراد از طریق آنها تعارض‌های مرتبط با هویت خود را حل می‌کنند و به تعهد می‌رسند (برزونسکی و فراری، ۱۹۹۶).

برزونسکی (۲۰۰۳) سه سبک هویت اطلاعاتی^۵، هنجاری^۶ و سردرگم / اجتنابی^۷ را مشخص کرده است. سبک اطلاعاتی معرف جوانانی است که به طور فعال از طریق جستجو و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود احساس هویت را ایجاد می‌کنند. جوانان اطلاعات محور درباره خود پنداره‌های خود نگرشی انتقادی دارند و وقتی با اطلاعات متفاوت مواجه می‌شوند به آزمون تجدید نظر و انطباق ساختار هویت خود با اطلاعات و شرایط جدید تمایل دارند (استریت متر، ۱۹۹۳؛ برزونسکی، ۲۰۰۳). جهت‌گیری هویت اطلاعاتی با خوداکتشافی فعال، تصمیم‌گیری آگاهانه، خودمختاری و استقلال در قضاوت، سطوح بالای پیچیدگی شناختی، نیاز بالا برای شناخت و قوت هویت شخصی همراه است (برزونسکی و فراری^۸، ۱۹۹۶؛ دوریز^۹ و همکاران، ۲۰۰۸).

سبک هویت هنجاری را جوانانی به کار می‌گیرند که استانداردهای مراجع قدرت و دیگر افراد مهم را درونی می‌کنند و با آن هماهنگ می‌شوند (برزونسکی، ۱۹۹۰). افراد هنجاری نسبت به اطلاعات تهدید کننده باورها و ارزشهای خود بسته هستند، به طور انعطاف ناپذیر تعهدات هویت سازمان یافته‌ای را پذیرفته‌اند و تلاش می‌کنند به صورت دفاعی آن را نگهداشته - ادامه دهند و به طور پایدار متعهد هستند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۰؛ برزونسکی، ۲۰۰۳).

جوانانی با سبک سردرگم / اجتنابی برای اجتناب از تعارض‌های شخصی مرتبط با هویت تلاش می‌کنند؛ آن‌ها تصمیم‌گیری‌ها را تا زمانی که الزام‌های موقعیتی یک خط مشی را دیکته کند به تأخیر می‌اندازند، به طور مداوم رفتارها و نظرات خود را مطابق با تقاضاها و الزام‌های اجتماعی تغییر می‌دهند، بدون این که ساختار هویت خود را اصلاح کنند، اصلاحاتی هم که به صورت

1. Arnett
2. Emerging adulthood
3. Identity status paradigm
4. Schwartz
5. Information orientation
6. Normative
7. Diffuse/avoidant
8. Ferrari.
9. Duriez

فعالیت‌های رفتاری یا حتی هم‌نوابی شفاهی انجام می‌دهند آنی و زودگذر است. چنین راهبردهایی احتمالاً به یک ساختار هویت پراکنده منجر می‌شود که به صورت بی‌هدف و ناپایدار یا اتفاقی یکپارچه شده است (برزونسکی، ۱۹۹۴).

رسیدن به تعهدی مبتنی بر اکتشاف و آگاهی در شکل‌گیری هویت و سلامت روانی اهمیت بسیاری زیادی دارد. اریکسون (۱۹۶۵) به نقل از ولیوراس و بوسما^۱ (۲۰۰۷) معتقد بود اگر هویت شخصی جوان در طی زمان و بر اساس تجربه‌های حاصل از رفتار صحیح اجتماعی شکل بگیرد و جوان خود را بشناسد و از دیگران جدا سازد، تعادل روانی او تضمین می‌شود، ولی اگر به جای خود آگاهی و تشکیل هویت مثبت، به ابهام در نقش دچار شود، هماهنگی و تعادل روانی او به هم می‌خورد. بنا براین، رشد و تکامل مطلوب فرد به حل این بحران وابسته است. ساختار هویتی خوب شکل گرفته و یکپارچه حس هدفمندی و جهت داشتن را به فرد می‌دهد که در نهایت به فرد در تصمیم‌گیری، حل مسأله مقابله مؤثر با الزامات زندگی روزمره و سازگار شدن با محیط‌های جدید منجر می‌شود (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۵). به این خاطر برخی پژوهشگران به دنبال بررسی رابطه و تأثیر هویت بر ابعاد مختلف زندگی جوان بوده و هستند.

نورمی^۲ و همکاران (۱۹۹۷) در مطالعه خود دریافتند افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی از نظر عزت نفس، مقابله مؤفقیتم آمیز آمیز با تنش و اضطراب در مقایسه با سایر سبک‌های هویت بهتر بودند. افراد با سبک سردرگم/اجتنابی ارتباطات اجتماعی ضعیفی با دیگران داشتند، از راهبردهای تصمیم‌گیری ناسازگارانه استفاده می‌کردند و روان رنجورتر بودند. آدامز و همکاران (۲۰۰۵) در بررسی ارتباط سبک‌های هویت و مشکلات رفتاری مشاهده کردند که افراد با سبک هویتی سردرگم/اجتنابی بیش از دارندگان دو سبک دیگر مشکلات سازگاری مانند بزهکاری یا اختلال‌های سلوکی نشان می‌دهند. ولیوراس و بوسما (۲۰۰۵) نیز در مطالعه دیگری نتیجه گرفتند افراد با سبک هویت سردرگم بهزیستی روانشناختی پایین تری دارند. بوید^۳ و همکاران (۲۰۰۳) در مطالعه خود دریافتند سبک هویت اجتنابی/سردرگم با انتظارات پایین مؤفقیتم و عملکرد نامناسب در دانشگاه رابطه دارد، در حالی که دو سبک دیگر با عملکرد مثبت همبستگی داشتند. لویکس^۴ و همکاران (۲۰۰۷) هم به این نتیجه رسیدند که سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری در دانشجویان با سازگاری با دانشگاه رابطه مثبت دارد. در این مطالعه تفاوتی بین دو جنس مشاهده نشد. موری^۵ و همکاران (۲۰۰۷) نیز نشان دادند سبک هویت با استفاده از مواد مخدر در دانشجویان رابطه دارد. به این شکل که افرادی با سبک هویت زودرس کمتر از مواد مخدر و الکل استفاده می‌کردند در مقابل افراد دارای سبک دیررس بیشتر از این مواد استفاده می‌کردند و با الزامات و قوانین دانشگاه سازگاری کمی داشتند.

در خصوص تفاوت‌های جنسیتی هویت، اریکسون (۱۹۶۸) اعتقاد داشت تحول هویت در زنان و مردان متفاوت است. به نظرمی رسد که تفاوت‌های جسمانی احتمالاً در جریان تحول هویت تأثیر گذارد. تحقیقات انجام شده طی سال‌های ۱۹۶۰ - ۱۹۷۰ نظر اریکسون درباره تفاوت‌های جنسیتی موجود در شکل‌گیری هویت را تأیید کردند. در سال‌های قبل از ۱۹۸۰، دستیابی به هویت بین مردان و زنان جداگانه بررسی می‌شد چون گمان می‌رفت هر جنس به گونه‌ای متفاوت به هویت می‌رسند، اما از ۱۹۸۰ به بعد در بررسی‌ها هر دو جنس را با هم در نظر گرفتند و تفاوت‌ها و شباهت‌ها را بین دو جنس در شکل‌گیری هویت مطالعه کردند (آقاجانی، ۱۳۸۱). آرچر (۱۹۹۲) به نقل از آقاجانی، (۱۳۸۱) بعد از مرور یافته‌های پژوهش‌های موجود، به این نتیجه رسید که

1. Vleioras & Bosma
2. Nurmi
3. Boyd
4. Luyckx
5. Mori

در حال حاضر تفاوت‌های جنسیتی در حالت هویتی استثناء هستند تا قاعده، اما متذکر می‌شود فرایند شکل‌گیری هویت به علت وجود موانع بیرونی رشد برای زنان می‌تواند دشوارتر باشد. بررسی واترمن (۱۹۹۹) نشان داد مردان و زنان در سطح دانشگاه و دبیرستان از الگوهای مشابه شکل‌گیری هویت پیروی می‌کنند. لوئیس^۱ (۲۰۰۳) در مطالعه خود دریافت مردان دانشجوی بیش از زنان دارای سردرگمی و آشفتگی در هویت خود هستند.

بی‌تردید متغیرهای بی‌شماری در حوزه مسائل انسانی وجود دارد که می‌تواند سازگاری و حالات روانشناختی افراد را تحت تأثیر قرار دهد، اما هویت و ابعاد مختلف آن به عنوان سازه‌ای شخصی در دوران نوجوانی و جوانی بیشترین تغییرات را می‌پذیرد (مانند لوئیس، ۲۰۰۳) و تأثیر نیرومندی بر حالات روانشناختی همانند عملکرد مؤفیت آمیز تحصیلی و سلامت روانی (مانند راس و هامر^۲، ۲۰۰۲) افراد می‌گذارد (اندرسون و فلمینگ^۳، ۱۹۸۶) و می‌تواند سازگاری فرد در محیط‌های مختلف را تعیین کند. بر این اساس هدف این پژوهش، بررسی رابطه سبک‌های هویتی با سازگاری دانشگاه و تعیین نقش میانجی‌گرانه جنسیت و تعهد در این ارتباط است.

روش

جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان سال اول رشته‌های مختلف تحصیلی در دوره کارشناسی دانشگاه ارومیه در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ بود. ۳۳۲ نفر دانشجوی (۱۸۲ دختر و ۱۵۰ پسر) از رشته‌های تحصیلی مختلف با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، انتخاب شدند. دانشکده‌های مختلف هر یک به صورت خوشه در نظر گرفته شده و سپس از درون هر دانشکده، رشته‌ها و در نهایت افراد انتخاب شدند. نسبت جنسیتی نیز در نمونه‌گیری رعایت شد. میانگین سنی دانشجویان پسر ۱۹/۴ (انحراف معیار ۱/۴۸) و دختر ۱۸/۳ (انحراف معیار ۱/۵۱) بود.

ابزارهای به کار گرفته شده عبارت بودند از:

الف- پرسشنامه سازگاری دانشجویان با دانشگاه^۴ (SACQ): این ابزار خودگزارشی را بیکر و سیریاک^۵ (۱۹۸۴) به نقل از بیرز بیرز و گوسنز^۶ (۲۰۰۲) طراحی کردند و ۶۷ ماده دارد. این سنج به شکل گسترده‌ای در آمریکا، کشورهای اروپایی، چین و ژاپن به کار گرفته شده است (لانثیر و ویندهام، ۲۰۰۴). SACQ چهار خرده‌مقیاس سازگاری تحصیلی (۲۴ سؤال)، سازگاری اجتماعی (۲۰ سؤال)، سازگاری شخصی - هیجانی (۱۵ سؤال) و دل‌بستگی به مؤسسه/دانشگاه دارد. مؤلفه سازگاری تحصیلی به نحوه برخورد و مقابله فرد با خواسته‌ها و انتظارات آموزشی-تحصیلی دانشگاه برمی‌گردد. سازگاری اجتماعی به کیفیت روابط اجتماعی و تجربه‌های میان فردی دانشجوی مربوط می‌شود. ارتباطات گروهی و عضویت در گروه‌ها، کمیته‌ها و انجمن‌های درون دانشگاه در این زمره قرار می‌گیرند. سازگاری شخصی - هیجانی به تجربه تنش و ناراحتی‌های روانشناختی یا علائم جسمی مربوط به ناراحتی‌های روانشناختی بازمی‌گردد. آخرین بعد میزان علاقه و تعهدی را می‌سنجد، که فرد نسبت به مؤسسه آموزشی/دانشگاه احساس می‌کند. آزمودنی در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً درباره من صدق می‌کند تا اصلاً درباره من صدق نمی‌کند به سؤال‌های آزمون پاسخ می‌دهد. ۴ نمره برای خرده‌مؤلفه‌ها و یک نمره کل محاسبه می‌شود (بیرز و

1. Lewis

2. Ross & Hammer

3. Anderson & Fleming

4. Student Adaptation To College questionnaire (SACQ)

5. Baker & Siryk

6. Beyers & Goossens

SACQ در مطالعات متعدد از نظر ویژگی‌های روانسنجی مطالعه شده است. در بررسی بیکر و سیریاک (۱۹۸۴) به نقل از بیرز و گوسنز، ۲۰۰۲) ضریب آلفای کرونباخ همه خرده مؤلفه‌ها و نمره کل بالای ۰/۸۰ بود. لاثیر و ویندهام (۲۰۰۴) در مطالعه خود ضرایب ثبات درونی برای مؤلفه‌ها را بین ۰/۹۵-۰/۸۶ به دست آوردند.

برای استفاده از این ابزار در مطالعه حاضر، نخست نسخه انگلیسی آن را نگارنده ترجمه کرد، سپس ترجمه شده آن را یکی از استادان زبان انگلیسی و یکی از استادان گروه روانشناسی با متن اصلی تطبیق دادند تا مشکلات نوشتاری و محتوایی آن برطرف شود. پس از آن آزمون به ۳۰ نفر از دانشجویان سال اول ارائه شد تا از نظر فهم‌پذیر بودن جملات و اجرایی بودن بررسی شود. در ادامه مطابق نتایج به دست آمده اصلاحات نهایی در آزمون انجام شد. در مرحله بعدی برای بررسی پایایی، SACQ در گروهی ۹۰ نفری اجرا و از آلفای کرونباخ برای برآورد آن استفاده شد. ضریب خرده مقیاس سازگاری تحصیلی ۰/۸۴، اجتماعی ۰/۷۲، شخصی - هیجانی ۰/۶۹ و علاقه و تعهد فرد نسبت به مؤسسه آموزشی / دانشگاه ۰/۹۰ و سازگاری کل ۰/۷۸ به دست آمد.

ب: پرسشنامه سبک‌های هویت: برای گرد آوری اطلاعات از پرسشنامه سبک هویت^۱ (ISI_G6) استفاده شد. این پرسشنامه را در سال ۱۹۸۹، برزونسکی در آمریکا تهیه کرد و در سال ۱۹۹۲، درباره آن او و سالیوان^۲ تجدیدنظر کردند. این سنجه سبک‌های هویت برزونسکی را مشخص می‌کند. در این ابزار ۱۱ ماده برای سبک اطلاعاتی، ۹ ماده برای سبک هنجاری و ۱۰ ماده برای سبک سردرگم/اجتنابی و ۱۰ ماده برای سنجش تعهد طراحی شده است. آزمودنی بر اساس یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر ماده مشخص می‌کند. در این پیوستار عدد یک نشان دهنده مخالفت کامل، عدد پنج نشانه موافقت کامل و عدد سه نشانه حدوسط (مطمئن نیستم) می‌باشد.

وایت^۳ و همکاران (۱۹۹۸) به نقل از فیلیپس و پیتمن^۴ (۲۰۰۷) پایایی این ابزار را با استفاده از آلفای کرونباخ برآورد کردند که ضرایب به دست آمده برای سبک اطلاعاتی ۰/۵۹، سبک هنجاری ۰/۶۴ و سردرگم/اجتنابی ۰/۷۸ بود. در پژوهش فیلیپس و پیتمن (۲۰۰۷) این ضرایب به ترتیب ۰/۷۵؛ ۰/۵۸ و ۰/۷۳ گزارش شده است.

در ایران در پژوهش‌های متعددی از سنجه فوق استفاده شده است. آفاجانی (۱۳۸۱) با بهره گیری از آلفای کرونباخ پایایی سبک اطلاعاتی را ۰/۷۳، هنجاری ۰/۷۰، سردرگم/اجتنابی ۰/۶۹ و تعهد ۰/۶۸ برآورد کرد. غرایبی و همکاران (۱۳۸۴) ضرایب پایایی برای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی و تعهد هویتی را به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۲، ۰/۸۱ و ۰/۸۵ گزارش کرده‌اند.

یافته‌ها

در این بخش ابتدا اطلاعات توصیفی مرتبط با مؤلفه‌های سازگاری با دانشگاه و سبک‌های هویت و نتایج آزمون t مرتبط با مقایسه جنسیت در متغیرهای فوق ارائه می‌شود.

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و نتایج آزمون t نمره‌های دانشجویان در مقیاس‌های هویت و سازگاری با دانشگاه

متغیر	مؤلفه‌ها	جنس	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معناداری
-------	----------	-----	---------	--------------	---	--------------

1. Identity Style Inventory with Six Grade
2. Sullivan
3. White
4. Phillips & Pittman

سازگاری با دانشگاه	سازگاری تحصیلی	دختر	۸۲/۴۵	۱۳/۴۹	۳/۱۷	**۰/۰۰۲
	پسر	۷۷/۸۳	۱۳/۴۸			
	سازگاری اجتماعی	دختر	۶۶/۰۵	۸/۰۷	۳/۲۹	**۰/۰۰۱
	پسر	۶۲/۹۶	۹/۰۳			
	سازگاری شخصی - هیجانی	دختر	۵۲/۰۴	۷/۸۷	۳/۲۲	**۰/۰۰۱
	پسر	۴۹/۲۹	۷/۵۶			
	احساس تعلق به مؤسسه/دانشگاه	دختر	۲۶/۱۵	۲/۵۰	۱/۶۵	۰/۰۹
	پسر	۲۵/۲۱	۴/۷۶			
	نمره کل سازگاری	دختر	۲۲۶/۶۹	۲۶/۰۴	۳/۹۷	*۰/۰۰۱
	پسر	۲۱۵/۱۸	۲۶/۶۲			
	اطلاعاتی	دختر	۴۱/۳۲	۵/۳۸	-۲/۲۸	۰/۰۲*
	پسر	۳۹/۹۷	۵/۳۳			
	هنجاری	دختر	۳۳/۶۸	۴/۷۲	۲/۵۶	۰/۰۱**
	پسر	۳۲/۳۵	۴/۶۹			
	سردرگم/اجتنابی	دختر	۲۶/۹۴	۶/۷۷	۱/۷۱	۰/۰۸
	پسر	۲۸/۲۳	۶/۸۷			
	تعهد	دختر	۳۴/۹۰	۴/۳۷	۱/۲۶	۰/۲۰
	پسر	۳۴/۳۵	۳/۴۴			

** $p < 0.01$

* $p < 0.05$

همان طور که یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد در تمام مؤلفه‌های سازگاری با دانشگاه میان دختران و پسران تفاوت معنادار وجود داشته و میانگین دختران بالاتر از پسران است. در سبک‌های هویت و تعهد هویتی، در سبک‌های اطلاعاتی و سردرگم/اجتنابی تفاوت معنادار هست که در سبک اطلاعاتی میانگین پسران و در سبک هنجاری میانگین دختران بیشتر است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی سبک‌ها و تعهد هویتی با مؤلفه‌ها و نمره کلی سازگاری با دانشگاه

مؤلفه	جنس	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱- سازگاری تحصیلی	دختر	-								
	پسر	-								
۲- سازگاری اجتماعی	دختر	۰/۳۹ ^{°°}	-							
	پسر	۰/۲۳ ^{°°}	-							
۳- سازگاری شخصی - هیجانی	دختر	۰/۲۰ ^{°°}	۰/۲۸ ^{°°}	-						
	پسر	۰/۲۹ ^{°°}	۰/۳۹ ^{°°}	-						
۴- احساس تعلق به مؤسسه/دانشگاه	دختر	۰/۵۴ ^{°°}	۰/۴۱ ^{°°}	۰/۲۰ ^{°°}	-					
	پسر	۰/۴۷ ^{°°}	۰/۴۴ ^{°°}	۰/۶۴ ^{°°}	-					
۵- نمره کل سازگاری	دختر	۰/۴۹ ^{°°}	۰/۶۱ ^{°°}	۰/۲۶ ^{°°}	۰/۳۴ ^{°°}	-				
	پسر	۰/۲۳ ^{°°}	۰/۵۶ ^{°°}	۰/۳۰ ^{°°}	۰/۴۱ ^{°°}	-				
۶- اطلاعاتی	دختر	۰/۳۴ ^{°°}	۰/۳۶ ^{°°}	۰/۲۵ ^{°°}	۰/۳۶ ^{°°}	۰/۲۵ ^{°°}	-			
	پسر	۰/۳۵ ^{°°}	۰/۴۳ ^{°°}	۰/۴۸ ^{°°}	۰/۶۸ ^{°°}	۰/۷۰ ^{°°}	-			
۷- هنجاری	دختر	۰/۷۴ ^{°°}	۰/۷۳ ^{°°}	۰/۵۰ ^{°°}	۰/۷۷ ^{°°}	۰/۶۵ ^{°°}	۰/۶۴ ^{°°}	-		
	پسر	۰/۴۱ ^{°°}	۰/۶۴ ^{°°}	۰/۷۶ ^{°°}	۰/۲۶ ^{°°}	۰/۳۱ ^{°°}	۰/۴۲ ^{°°}	-		
۸- سردرگم/اجتنابی	دختر	-۰/۱۸ [°]	-۰/۰۶	-۰/۴۴ ^{°°}	-۰/۰۷	-۰/۲۲ ^{°°}	-۰/۲۰ ^{°°}	-۰/۳۳ ^{°°}	-	
	پسر	-۰/۲۰ ^{°°}	-۰/۲۵ ^{°°}	-۰/۱۸ ^{°°}	۰/۱۱	-۰/۳۴ ^{°°}	-۰/۲۳ ^{°°}	-۰/۲۴ ^{°°}	-	
۹- تعهد	دختر	۰/۲۴ ^{°°}	۰/۲۰ ^{°°}	۰/۲۱ ^{°°}	۰/۲۵ ^{°°}	۰/۲۲ ^{°°}	۰/۲۶ ^{°°}	۰/۱۹ [°]	-۰/۱۹ [°]	-
	پسر	۰/۲۸ ^{°°}	۰/۱۹ [°]	۰/۳۳ ^{°°}	۰/۲۰ ^{°°}	۰/۱۸ [°]	-۰/۲۰ ^{°°}	۰/۲۸ ^{°°}	-۰/۱۸ [°]	-

** p < ۰/۰۱

* p < ۰/۰۵

بررسی همبستگی سبک‌های هویت و تعهد هویتی با سازگاری با دانشگاه نشان می‌دهد روابط موجود بین سبک اطلاعاتی و هنجاری و همه مؤلفه‌های سازگاری در هر دو جنس معنادار و مثبت است. در مقابل، همبستگی بین سبک سردرگم/اجتنابی با مؤلفه‌های سازگاری تحصیلی، سازگاری اجتماعی، سازگاری شخصی - هیجانی و نمره کل سازگاری در پسران منفی معنادار و در دختران رابطه بین سازگاری تحصیلی، سازگاری شخصی - هیجانی و نمره کل سازگاری در گروه دختران منفی معنادار است. به عبارتی، شکل‌گیری هویت فرد (هنجاری و اطلاعاتی) با سازگاری بهتر در دانشگاه رابطه مثبت داشته و سبک هویتی شکل نیافته و آشفته (سردرگم/اجتنابی) با سازگاری پایین ارتباط دارد. در هر دو گروه متغیر تعهد هویتی با همه مؤلفه‌های سازگاری همبستگی مثبت و معنادار دارد. در حقیقت می‌توان نتیجه گرفت در افرادی که سطح بالایی از تعهد هویتی دارند سازگاری با ابعاد مختلف دانشگاه در سطح مطلوبتری قرار دارد.

از مدل تحلیل رگرسیون گام به گام برای تعیین واریانس مؤلفه‌های سازگاری با دانشگاه از طریق متغیر سبک‌های هویت، تعهد هویتی و جنس استفاده شد. در گام نخست سبک‌های هویت، در گام دوم جنسیت و در گام آخر تعهد هویتی وارد تحلیل شد.

جدول ۳: خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی سازگاری تحصیلی

متغیرها	B	Beta	Sig.	F	R	R2
سبک اطلاعاتی	۰/۳۷	۰/۳۱	۰/۰۰۱ ^{°°}	۱۲۱/۶۷	۰/۵۳	۰/۲۸

			۰/۰۰۱ ^{**}	۰/۲۹	۰/۴۲	سبک هنجاری	
			۰/۰۰۱ ^{**}	-۰/۲۸	-۰/۳۹	سبک سردرگم/اجتنابی	
			۰/۰۰۱ ^{**}	۰/۳۱	۰/۲۷	سبک اطلاعاتی	
۰/۳۸	۰/۶۲	۱۰۶/۲۹	۰/۰۰۱ ^{**}	۰/۲۴	۰/۳۷	سبک هنجاری	دوم
			۰/۰۰۱ ^{**}	-۰/۲۳	-۰/۳۲	سبک سردرگم/اجتنابی	
			۰/۰۰۱ ^{**}	۰/۲۲	۰/۳۰	جنس	
			۰/۰۰۱ ^{**}	۰/۳۱	۰/۳۴	سبک اطلاعاتی	
			۰/۰۰۱ ^{**}	۰/۲۸	۰/۳۷	سبک هنجاری	
۰/۵۷	۰/۷۵	۸۷/۶۶	۰/۰۰۱ ^{**}	-۰/۲۴	-۰/۳۱	سبک سردرگم/اجتنابی	سوم
			۰/۰۰۱ ^{**}	۰/۲۳	۰/۳۱	جنس	
			۰/۰۱۳*	-۰/۱۱	-۰/۱۵	تعهد هویتی	

** p < ۰/۰۱

* p < ۰/۰۵

گام ۱- متغیر پیش‌بین: سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی)

گام ۲- متغیر پیش‌بین: سبک‌های هویت، جنسیت

گام ۳- متغیر پیش‌بین: سبک‌های هویت، جنسیت و تعهد هویتی

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد متغیرهای جنسیت و تعهد هویتی نقش واسطه یا میانجی را در ارتباط بین سبک‌های هویت و سازگاری تحصیلی ایفا می‌کنند. کاهش معنادار مقدار β بیان‌کننده نقش میانجی گرانه جنس و تعهد هویتی است. در بررسی دقیق ضرایب تعیین مشخص است که سبک‌های هویت به تنهایی ۲۸ درصد واریانس سازگاری تحصیلی را تبیین می‌کند. با افزوده شدن جنس و تعهد هویتی به ترتیب ۰/۱۰ و ۰/۱۹ به واریانس سبک‌های هویت اضافه شده است.

جدول ۴: خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی سازگاری اجتماعی

R2	R	F	Sig.	Beta	B	متغیرها	گام	مؤلفه‌های سازگاری با دانشگاه
۰/۳۸	۰/۶۲	۱۱۸/۴۴	۰/۰۰۱**	۰/۴۰	۰/۳۳	سبک هنجاری	اول	
			۰/۰۰۱**	۰/۳۷	۰/۴۵	سبک اطلاعاتی		
			۰/۰۰۱**	-۰/۱۶	-۰/۱۷	سبک سردرگم/اجتنابی		
۰/۴۸	۰/۶۹	۹۱/۲۸	۰/۰۰۱**	۰/۳۶	۰/۳۰	سبک اطلاعاتی	دوم	سازگاری اجتماعی
			۰/۰۰۱**	۰/۳۵	۰/۴۴	سبک هنجاری		
			۰/۰۰۲**	-۰/۱۲	-۰/۱۵	سبک سردرگم/اجتنابی		
			۰/۰۲*	۰/۱۰	۰/۱۱	جنس		
۰/۵۳	۰/۷۳	۷۴/۹۶	۰/۰۰۱**	۰/۳۱	۰/۲۵	سبک اطلاعاتی	سوم	
			۰/۰۰۱**	۰/۲۹	۰/۴۳	سبک هنجاری		
			۰/۰۰۲**	-۰/۱۴	-۰/۱۵	سبک سردرگم/اجتنابی		
			۰/۰۱۱*	۰/۰۹	۰/۱۲	جنس		
			۰/۰۲*	۰/۱۰	۰/۱۰	تعهد هویتی		

** $p < 0/01$

* $p < 0/05$

در پیش‌بینی و تبیین سازگاری اجتماعی از طریق سبک‌های هویت نتایج حاکی از ارتباط معنادار سبک‌های هویت با سازگاری اجتماعی است و این سبک‌ها توانسته اند ۳۸٪ واریانس آن را تبیین کنند. کاهش معنادار مقادیر بتا برای متغیرهای جنسیت و تعهد هویتی نشان دهنده نقش میانجی گرانه آن‌ها در رابطه بین سبک‌ها و سازگاری اجتماعی است و متغیرهای فوق به ترتیب قدرت پیش‌بینی را ۱۰٪ و ۰/۰۵٪ افزایش می‌دهد.

جدول ۵: خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی سازگاری شخصی - هیجانی

R2	R	F	Sig.	Beta	B	متغیرها	گام	مؤلفه‌های سازگاری با دانشگاه
۰/۲۷	۰/۵۲	۵۸/۶۰	۰/۰۰۱**	۰/۴۵	۰/۳۵	سبک اطلاعاتی	اول	سازگاری با دانشگاه
			۰/۰۰۱**	۰/۱۹	۰/۱۸	سبک هنجاری		
			۰/۰۰۱**	-۰/۱۴	-۰/۱۳	سبک سردرگم/اجتنابی		
۰/۳۷	۰/۶۱	۴۱/۶۷	۰/۰۰۱**	۰/۴۰	۰/۳۱	سبک اطلاعاتی	دوم	سازگاری شخصی - هیجانی
			۰/۰۰۱**	۰/۱۶	۰/۱۵	سبک هنجاری		
			۰/۰۰۱**	-۰/۱۴	-۰/۱۳	سبک سردرگم/اجتنابی		
۰/۵۳	۰/۷۳	۲۳/۸۷	۰/۰۰۱**	۰/۳۵	۰/۳۰	سبک اطلاعاتی	سوم	سازگاری شخصی - هیجانی
			۰/۰۰۱**	۰/۱۸	۰/۱۴	سبک هنجاری		
			۰/۰۰۹**	-۰/۱۷	-۰/۱۲	سبک سردرگم/اجتنابی		
			۰/۰۱۲*	۰/۰۵	۰/۱۱	جنس		
			۰/۰۰۵*	-۰/۰۱	-۰/۰۶	تعهد هویتی		

** p < ۰/۰۱

* p < ۰/۰۵

نتایج مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد سبک‌های هویتی به شکل معناداری ۲۷٪ واریانس سازگاری - شخصی هیجانی را پیش‌بینی می‌کند و دو متغیر جنسیت و تعهد هویتی نیز به شکل معناداری به افزایش قدرت پیش‌بینی و تبیینی سبک‌های هویتی قادر است.

جدول ۶: خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی احساس تعلق به مؤسسه/دانشگاه

R2	R	F	Sig.	Beta	B	متغیرها	گام	مؤلفه‌های سازگاری با دانشگاه
۰/۱۵	۰/۳۹	۲۰/۰۳	۰/۰۰۱**	۰/۳۴	۰/۳۰	سبک هنجاری	اول	
			۰/۰۰۲**	۰/۲۰	۰/۱۴/۳	سبک اطلاعاتی		
			۰/۰۱**	-۰/۱۳	-۰/۹۰	سبک سردرگم/اجتنابی		
۰/۲۴	۰/۴۹	۱۶/۰۷	۰/۰۰۱**	۰/۲۹	۰/۲۶	سبک هنجاری	دوم	احساس تعلق به مؤسسه/دانشگاه
			۰/۰۰۲**	۰/۱۸	۰/۷۷/۲	سبک اطلاعاتی		
			۰/۰۱**	-۰/۱۳	-۰/۹۴	سبک سردرگم/اجتنابی		
۰/۲۴۲	۰/۴۹۲	۲/۲۳	۰/۰۰۱**	۰/۲۱	۰/۳۱	سبک هنجاری	سوم	
			۰/۰۰۴**	۰/۲۲	۰/۱۲/۲	سبک اطلاعاتی		
			۰/۰۵°	-۰/۱۶	-۰۰۱/۱	سبک سردرگم/اجتنابی		
			۰/۰۱**	۰/۱۴	۰/۰۹۶	تعهد هویتی		
			NS	۰/۰۳	۰/۰۴	جنس		

** p < ۰/۰۱

* p < ۰/۰۵

NS- غیر معنادار

نتایج مربوط به متغیر احساس تعلق به دانشگاه/مؤسسه بیان‌کننده نقش تبیین‌کنندگی متغیر سبک‌ها و تعهد هویتی است که مجموعاً ۲۴٪ واریانس این مؤلفه را پیش‌بینی می‌کنند. در مقابل متغیر جنسیت به افزایش معنادار ضریب تعیین قادر نبوده و متغیری میانجی به شمار نمی‌رود. به عبارتی فقط متغیر تعهد هویتی است که نقش میانجی را بین سبک‌های هویتی و احساس تعلق به دانشگاه/مؤسسه ایفا می‌کند. نکته جالب توجه در این تحلیل قدرت بیشتر سبک هنجاری است. مراجعه به جدول ۳ نیز نشان می‌دهد این سبک هویتی رابطه نیرومندتری نسبت به سایر سبک‌ها با این مؤلفه دارد.

جدول ۷: خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی سازگاری کلی

مؤلفه‌های سازگاری با دانشگاه	گام	متغیرها	B	Beta	Sig.	F	R	R2
اول		سبک اطلاعاتی	۰/۳۱	۰/۴۰	۰/۰۰۱**	۵۸/۱۱	۰/۵۲	۰/۲۷
		سبک هنجاری	۰/۲۲/۱	۰/۱۴	۰/۰۰۱**			
		سبک سردرگم/اجتنابی	-۰/۱۵	-۰/۱۵	۰/۰۰۱**			
دوم	سازگاری کلی	سبک اطلاعاتی	۰/۲۷	۰/۳۵	۰/۰۰۱**	۴۳/۷۵	۰/۶۳	۰/۴۰
		سبک هنجاری	۰/۹۶	۰/۱۳	۰/۰۰۱**			
		سبک سردرگم/اجتنابی	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۰۰۱**			
		جنس	۰/۱۱	۱۲	۰/۰۰۱**			
سوم		سبک اطلاعاتی	۰/۳۱	۰/۴۱	۰/۰۰۱**	۲۸/۲۱	۰/۷۰	۰/۴۹
		سبک هنجاری	۰/۸۱	۰/۲۸	۰/۰۰۱**			
		سبک سردرگم/اجتنابی	۰/۱۲	۰/۱۷	۰/۰۰۱**			
		جنس	۰/۱۳	۰/۱۴	۰/۰۰۱**			
		تعهد هویتی	-۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۰۰۱**			

** p < ۰/۰۱

* p < ۰/۰۵

یافته‌های مندرج در جدول ۷ نشان می‌دهد سبک‌های هویت پیش‌بینی کننده معنادار نمره سازگاری کلی است و سبک‌ها می‌توانند ۲۷٪ واریانس این متغیر را پیش‌بینی کنند. کاهش معنادار بتاها و افزایش ضرایب تعیین با افزوده شدن متغیرهای جنس و تعهد هویتی نشانه نقش میانجی آن‌ها در رابطه بین سبک‌ها و سازگاری کلی است.

بحث و نتیجه‌گیری:

نتایج پژوهش حاضر نشان داد سبک‌های هویت به شکل معناداری قادر است تمام مؤلفه‌های سازگاری با دانشگاه را پیش‌بینی و تبیین کند. با هدف بررسی نقش میانجی جنس و تعهد هویتی از رگرسیون گام به گام استفاده شد. متغیر جنسیت با ورود به تحلیل توانست ضریب تعیین را در پیش‌بینی مؤلفه‌های سازگاری تحصیلی، اجتماعی، شخصی - هیجانی و سازگاری کلی به شکل معناداری افزایش دهد و فقط در مؤلفه دلبستگی به دانشگاه جنسیت نقش معناداری نداشت. تعهد هویتی برای همه مؤلفه‌ها و نمره کلی سازگاری نقش میانجی گرانه معناداری داشت. به عبارتی متغیر تعهد هویتی نقش تعیین کننده‌ای در ابعاد مختلف سازگاری با دانشگاه ایفا می‌کند.

فرض اصلی پژوهش حاضر این بود که سبک‌های هویتی با سازگاری با دانشگاه رابطه دارد و می‌تواند آن را پیش‌بینی و تبیین کند. نتایج با تأیید این فرض نشان داد سبک‌های اطلاعاتی و هنجاری با مؤلفه‌های مختلف آن رابطه مثبت و معنادار داشته و به تبیین و پیش‌بینی قادر است در مقابل سبک سردرگم/اجتنابی با سازگاری و ابعاد مختلف آن رابطه منفی داشت. در این بین سبک اطلاعاتی رابطه و قدرت پیش‌بینی کنندگی بیشتری برای سازگاری تحصیلی، سازگاری شخصی - هیجانی، دلبستگی به دانشگاه/مؤسسه و سازگاری کلی و سبک هنجاری بهتر از سایر سبک‌ها سازگاری اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند. این یافته با یافته‌های

مطالعه نورمی و همکاران(۱۹۹۷)، پرت(۲۰۰۰)، آدامز و همکاران(۲۰۰۵)، بوید و همکاران(۲۰۰۳) و لویکس و همکاران(۲۰۰۷) همسو است. نتایج مجموع پژوهش‌ها حاکی از این بود که افراد دارای سبک هویت سردرگم/اجتنابی بیش از افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری مشکلات رفتاری و سازگاری نشان می‌دهند. کسانی که سبک هویت اطلاعاتی دارند در محیط دانشگاهی آمادگی بیشتری برای مقابله مؤثر با الزامات بافت جدید دارند. قدرت پیش‌بینی بهتر سبک هنجاری برای سازگاری اجتماعی را می‌توان به ویژگی‌های افراد با این سبک نسبت داد. آن‌ها بیشتر به قوانین احترام می‌گذارند، روابط انسانی مناسبی با دیگران داشته و در موقعیت‌های جمعی مؤقتتر عمل می‌کنند. این یافته مؤید یافته‌های بررسی برزونسکی و کوک(۲۰۰۵) است.

در همین راستا مطالعات نورمی و همکاران(۱۹۹۷)، آدامز و همکاران(۲۰۰۵)، ولیوراس و بوسما(۲۰۰۵) نیز نشان داد که عملکرد بسنده در حوزه‌های تحصیلی و سازگاری و مشکلات رفتاری کمتر با سبک هویت اطلاعاتی رابطه دارد. لویکس و همکاران(۲۰۰۷) هم به این نتیجه رسیدند که سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری در دانشجویان با سازگاری با دانشگاه رابطه مثبت دارد. به عبارتی افراد با تعهد بالا که فعالانه در جستجوی هدف و برنامه ریزی مناسب برای زندگی خود بوده و توانایی خودارزیابی و تجدید نظر در ساختار خود دارند راحت‌تر با مشکلات و تغییرات محیطی مقابله می‌کنند. در مقابل بوید و همکاران(۲۰۰۳) در مطالعه خود دریافتند که سبک هویت اجتنابی/سردرگم با انتظارات پایین مؤفقیته و عملکرد نامناسب در دانشگاه رابطه دارد، در حالی که دو سبک دیگر با عملکرد و انتظارات مثبت همبستگی داشت. در این مطالعه تفاوتی میان دو جنس مشاهده نشد. مجموع یافته‌ها از رابطه بین سبک هویت و سازگاری حمایت می‌کند.

یافته‌ها نشان داد تعهد هویتی به عنوان متغیری میانجی قادر است رابطه سبک‌های هویت و مؤلفه‌های سازگاری با دانشگاه را به شکل معناداری تحت تأثیر قرار دهد. زمانی فرد به تعهد هویتی می‌رسد که تصمیمات قاطعی در زمینه‌های مختلف زندگی خود مانند شغل، ازدواج، پایبندی به دیدگاه‌های سیاسی یا عقیدتی خاص اتخاذ کرده و راهبردهای خاصی را برای رسیدن به اهداف شخصی و تعیین مسیر زندگی در نظر گرفته باشد(آقامحمدیان و حسینی، ۱۳۸۴). به این دلیل داشتن تعهد می‌تواند به فرد کمک کند تا بین نیازهای شخصی و خواسته‌های اجتماعی تعادل برقرار کند و به شکل بسنده‌ای با محیط و شرایط سازگار شود. پژوهش کامینسکی^۲ (۲۰۰۲) نیز نشان داده است تعهد هویتی نقش تعیین کننده‌ای در سازگاری داشته و می‌تواند در کاهش یا افزایش آن مؤثر باشد. به عبارتی داشتن تعهد همانند نقشه‌ای عمل می‌کند که به فرد کمک می‌کند توانایی‌ها و کوشش‌های خود را در سمت و سوی مشخصی متمرکز و از پراکندگی پرهیز کند. در همین راستا، اریکسون معتقد است کسب نکردن هویت و نداشتن تعهد می‌تواند بروز اختلال در درک زمان، اشتغال فکری بیش از اندازه با خود و هویت منفی را موجب شود که کارکرد بسنده و سازگارانه فرد را مختل کند، (مارسیا، ۱۹۹۳).

نتایج حاصل نشان داد جنسیت به پیش‌بینی و تبیین مؤلفه‌های سازگاری تحصیلی، سازگاری اجتماعی، سازگاری شخصی - هیجانی و نمره کلی سازگاری قادر است. بررسی نتایج مندرج در جدول یک حاکی از این است که دانشجویان دختر از نظر سازگاری با دانشگاه به شکل معناداری از دانشجویان پسر بالاتر هستند. یافته‌های مطالعه استونز^۳ (۱۹۹۴) نیز مؤید این یافته بود. از نظر او زندگی دانشگاهی در کل برای دختران شادی بخش و رضایت بخش‌تر از پسران بوده و آن‌ها بهتر با شرایط و الزامات دانشگاه کنار می‌آیند. یافته‌های سایر مطالعات مشابه نیز نشان داد که اساساً زنان قدرت بیشتری برای هماهنگ شدن با محیط‌های

^۲. Kuminsky

^۳. Stevens

جدید دارند و در ورود و تطابق با بافت‌های متفاوت کمتر از مردان با مشکل مواجه می‌شوند (مانند کامینسکی، ۲۰۰۲).

در حقیقت، جنسیت عامل مؤثری در سازگاری بوده و نقش تعیین کننده‌ای در آن دارد. در تبیین این امر شاید بتوان به متغیر سبک‌های هویت رجوع کرد. افراد دارای سبک اطلاعاتی و هنجاری رشد یافته‌تر هستند و از نظر سلامت روانشناختی و سازگاری در سطح بهتری قرار دارند. به همین سبب از آن جایی که دختران بیشتر دارای سبک‌های هویتی رشد یافته هستند سازگاری بسنده‌تری دارند. فیلیپس و پیتمن (۲۰۰۷) و لویکس و همکاران (۲۰۰۷) نیز این یافته را تأیید کرده اند.

تنها مؤلفه‌ای که جنسیت در تعیین آن نقش معناداری نداشت متغیر دلبستگی به دانشگاه بود که در بخش مقایسه میانگین‌ها نیز تفاوتی میان دو جنس مشاهده نمی‌شود (جدول یک)، علت این امر را احتمالاً بتوان به شیوه گزینش دانشجو و پذیرفته شدن دانشجویان در مؤسسات آموزش عالی نسبت داد. در کشور ما انتخاب محل تحصیل در آموزش عالی بیش از آن که به علاقه فرد مرتبط باشد با نمره کنکور و ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها ارتباط دارد. بر این اساس احتمال بسیار زیادی است که فرد نسبت به محل تحصیل خود علاقه و دلبستگی نداشته باشد.

یافته‌ها حاکی از این بود که دختران در سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری و پسران در سبک سردرگم/اجتنابی میانگین بالاتری داشتند، این یافته با یافته‌های استریت متر (۱۹۹۳)، لویس (۲۰۰۳) و فیلیپس و پیتمن (۲۰۰۷) هماهنگ است که نشان داد دختران کمتر از پسران سبک سردرگم/اجتنابی دارند. در تبیین این موضوع شاید بتوان گفت چون دختران زودتر به بلوغ می‌رسند و رشد یافته‌تر از پسران هستند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۵)، بیشتر سبک هویت اطلاعاتی دارند. علاوه بر این احتمالاً وجود انتظارات متفاوت از دختران و پسران در فرهنگ‌های مختلف نیز در این امر مؤثر است. در بیشتر فرهنگ‌ها خصوصاً فرهنگ‌های شرقی از دختران توقع رفتارهای رشد یافته تری می‌رود، به این دلیل احتمالاً رشد روانی و شخصیتی آن‌ها سریع‌تر از پسران رخ می‌دهد.

در کل نتایج پژوهش نشان داد که سبک‌های هویت، تعهد هویتی و جنسیت در سازگاری با دانشگاه نقشی تعیین کننده دارد. نکته مهمی که به نظر می‌رسد در پژوهش‌های بعدی باید به آن توجه و مستقلاً مطالعه شود سطح پایین سازگاری دانشجویان پسر است. با عنایت به این که پژوهش‌ها نشان داده سازگاری با دانشگاه در عملکرد تحصیلی افراد مؤثر است (راس و هامر، ۲۰۰۲)، بنابراین، توجه پژوهشگران و دست اندرکاران به مسائل بهداشت روانی دانشجویان ضروری است.

- آقاجانی، محمدحسین، (۱۳۸۱). *هنجاریابی مقدماتی پرسشنامه سبک هویت برای دانشجویان مقطع کارشناس دانشگاه‌های تهران*، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه تربیت معلم تهران.
- آقامحمدیان، حمیدرضا و مهران حسینی، (۱۳۸۴). *روانشناسی بلوغ و نوجوانی*، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- غرایبی، بنفشه، محمدکاظم عاطف وحید، محمود دژکام و محمود محمودیان، (۱۳۸۴). *راهبردی‌های مدارای نوجوانان تهرانی در وضعیت‌های مختلف هویتی. رفاه اجتماعی*. شماره ۵(۱۹)، ۱۴۰-۱۲۵.
- لطف آبادی، حسین، (۱۳۸۴). *روانشناسی رشد نوجوانی، جوانی و بزرگسالی*، تهران، سمت.

- Adams, G. R, Munro, B, Munro, G, Doherty-Poirer, M & Edwards, J, (2005). Identity processing styles and Canadian adolescents' self-reported delinquency, *Identity*, 5, 57-65.
- Arnett, J. J, (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties, *American Psychologist*, 55, 469-480.
- Anderson, S. A & Fleming, W.M,(1986). Late Adolescents' Home-Leaving Strategies: Predicting Ego Identity and College Adjustment, *Adolescence*, 21 (82), 453-59.
- Archer, S. L & Waterman, A. S, (1990). Varieties of diffusions and foreclosures: An exploration of subcategories of the identity statuses, *Journal of Adolescent Research*, 5, 96-111.
- Berzonsky, M.D, (1990). Self-construction over the life-span: A process perspective on identity formation. In: G.J. Neimeyer and R.A. Neimeyer, Editors, *Advances in personal construct psychology* , 1, JAI, Greenwich, CT, 155-186.
- Berzonsky, M.D, (1994). Self-identity: The relationship between process and content, *Journal of Research in Personality*, 28, 453-460.
- Berzonsky, M.D,(2003). Identity styles and well-being: Does commitment matter? *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3, 131-142.
- Berzonsky, M.D & Ferrari, J.R, (1996) Identity orientation and decisional strategies, *Personality and Individual Differences*, 20, 597-606.
- Berzonsky, M.D & Kuk, L.S, (2000). Identity status, identity processing style, and the transition to university, *Journal of Adolescent Research*, 15, 81-98.
- Berzonsky, M.D & Kuk, L.S, (2005). Identity style, psychosocial maturity, and academic performance, *Personality and Individual Differences*, 39, 235-247.
- Berzonsky, M.D, Macek, P & Nurmi, J.E, (2003). In terrelationship, among identity process, content, and structure, *Journal of Adolescent Research*, 18, 112-130.
- Beyers, W & Goossens, L, (2003). Psychological separation and adjustment to university: Moderating effects of gender, age, and perceived parenting style, *Journal of Adolescent Research*, 18, 363-382.
- Boulter, L. T,(2002). Self-concept as a predictor of college freshman academic adjustment, *College Student Journal*, 36, 234-246.
- Boyd, P.F, Hunt, J.J & Kandell, M.S, (2003). Relationship between identity processing style and academic success in undergraduate students, *Journal of College Student Development*, 44, 155-167.
- Brooks, J. H & DuBois, D. L, (1995). Individual and environmental predictors of adjustment during the first year of college, *Journal of College Student Development*, 36, 347-360.
- Duriez, B, Smits, I & Goossens, L, (2008). The relation between identity styles and religiosity in adolescence: Evidence from a longitudinal perspective, *Personality and Individual Differences*, 44 , 1022-1031.
- Kuminski, F, (2002). *Adaptaion with college: identity, gender and age*. Unpublished manuscript, Available at <<http://RUSLIB,digi jur/2002/html>>.
- Kalsner, L & Pistole, M. C,(2003). College Adjustment in a Multiethnic Sample: Attachment, Separation-Individuation, and Ethnic Identity, *Journal of College Student Development* , 44(1), 92-109.
- Lanthier, R. P & Windham, R. C, (2004). Internet use and college adjustment: The moderating role of gender, *Computers in Human Behavior*, 20(5),p 591-606.

- Lewis, H. L.(2003). Differences in Ego Identity Among College Students Across Age, Ethnicity, and Gender, *Identity*, 3(2), 159 - 189
- Lubker, J. R & Etzel, E. F, (2007). College Adjustment Experiences of First-Year Students: Disengaged Athletes, Nonathletes, and Current Varsity Athletes, *NASPA Journal*, 44(3), Art. 5. p457-480.
- Luyckx, K, Soenens, B, Berzonsky, M. D & Smits, I, Goossens, L & Vansteenkiste, M,(2007). Information-oriented identity processing, identity consolidation, and well-being: The moderating role of autonomy, self-reflection, and self-rumination, *Personality and Individual Differences*, 43, (5), 1099-1111.
- Marcia, J. E, (1993). The status of the statuses: Research review. In J. E. Marcia, A. S. Waterman, D. R, Matteson, S. L. Archer & J. L. Orlofsky (Eds.), *Ego identity: A handbook for psychosocial research* (pp. 22-41). USA: Springer-Verlag.
- Martin J.r, W. E, Swartz-Kulstad, J. L & Madison, M, (1999). Psychosocial factors that predict the college adjustment of first-year undergraduate students: Implications for college counselors, *Journal of College Counseling*, 2, p121-133.
- Mori, L, Panova, A, Keo, Z, Cheung, C & Stokes, J, (2007), Ego Identity and Substance Use of Ethnically Diverse College Students, *Psychology Journal*, 4(4).
- Nurmi, J.E, Berzonsky, M.D, Tammi, K & Kinney, A, (1997)Identity processing orientation, cognitive and behavioral strategies and well being, *International Journal of Behavioral Development*, **21**, 555–570.
- Phillips, T. M, Pittman, J. F,(2007). Adolescent psychological well-being by identity style, *Journal of Adolescence*, 30 , 1021–1034
- Pratt, M.W, (2000). The transition to university: Contexts, connections, and consequences, *Journal of Adolescent Research*, 15, 5–9.
- Ross, J & Hammer, N, (2002). *College freshmen:Adjustment and achievement in relation to parenting and identity style*. Unpublished manuscript, Available at <<http://murphylibrary.uwlax.edu/digital/jur/2002/ross-hammer.pdf>>.
- Schwartz, S. J, (2001). The evolution of Eriksonian and neo-Eriksonian identity theory and research: A review and integration, *Identity*, 1, 7-58.
- Stevens, C. D, (1994). *Social Support and Dependency Needs: How Late-Adolescent, Non-Local Students Adjust to First Year university*, Unpublished Honours Thesis, University of Wollongong.
- Streitmatter, J, (1993). Identity status and identity style: A replication study, *Journal of Adolescence*, 16, 211–215.
- Vleioras, G & Bosma,H.A, (2005). Are identity styles important for psychological well-being?, *Journal of Adolescence*, 28 , 397–409.
- Waterman, A. S, (1999). Issues of identity formation revisited: United States and The Netherlands 1, *Developmental Review*, 19(4), 462-479.